

بررسی اصول زبانی واژگانی و محتوایی ترجمه‌ی مکتوب

دکتر حسن مجیدی*

استادیار دانشگاه حکیم سبزواری - سبزواری

مدینه قشلاقی

کارشناسی ارشد مترجمی عربی دانشگاه حکیم سبزواری - سبزواری

چکیده

عصر کنونی که عصر سرعت و علم و تکنولوژی است ضرورت برقراری ارتباط با جوامع دیگر برای رشد در زمینه‌های علمی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و ... بیش از گذشته احساس می‌شود؛ یکی از این راه‌های ارتباطی «ترجمه» در انواع مختلف می‌باشد. ترجمه‌ی مکتوب به عنوان نوعی از ترجمه به برگردان پیامی از زبان مبدأ به زبان مقصد به صورت نوشتاری، گفته می‌شود. پر واضح است ترجمه‌ی مکتوب در انتقال آثار کهن و معاصر دیگر ملل، به ادبیات ما نقش بسزایی داشته است، بنابراین آشنایی با اصول و قواعد آن به عنوان ابزاری برای فهم صحیح اندیشه‌ی نویسنده بسیار مهم می‌باشد. با توجه به اینکه در منابع مختلف به صورت پراکنده به اصول ترجمه‌ی مکتوب پرداخته شده و شناخت صحیح این اصول و به کارگیری آن، عامل اصلی ارائه‌ی ترجمه‌ی مقبول می‌باشد در این مقاله سعی شده است به بررسی و تحلیل مجموعه‌ای از مهمترین اصول و قواعد ترجمه‌ی مکتوب از جمله تسلط بر زبان مبدأ و مقصد، فهم موضوع ترجمه، مراعات امانت، تسلط بر اصطلاحات خاص و ... پرداخته و آنها را تبیین نماید.

واژگان کلیدی: ترجمه‌ی مکتوب، زبان مبدأ، زبان مقصد، اصول و قواعد،

بررسی.

*. E- mail: majidi.dr@gmail. com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۰۷/۰۵؛ تاریخ تصویب: ۱۳۹۱/۰۹/۲۸.

مقدمه

ترجمه‌ی خوب عبارتست از نزدیک‌ترین معادل در زبان مترجم برای مطلب مورد ترجمه با حفظ مشخصات متن اصلی تا آنجا که ظرفیت زبان اول ایجاب کند و عجیب و دور از ذهن ننماید (صفازاده، ۱۳۸۴، ۲۴).

برای دست‌یافتن به یک ترجمه‌ی خوب و مقبول باید با قواعد آن آشنا شد. اصول و قواعد ترجمه در واقع زیر بناهای اساسی ترجمه هستند که باید همواره در ترجمه به آن توجه کرد. با توجه به افزایش ارتباطات جهانی و نیاز روزافزون به ترجمه و کم‌کاری در حوزه‌ی ترجمه‌ی عربی به فارسی نسبت به زبان‌های دیگر به ویژه انگلیسی به فارسی، و بالعکس ضرورت این تحقیق آشکارتر می‌شود.

نیو مارک معتقد است «ترجمه‌ی مکتوب تلاشی برای جایگزین کردن جمله‌ای یا پیامی نوشتاری در یک زبان با پیام نوشتاری یا جمله‌ای در زبان دیگر» (کامبیززاده، ۱۳۸۸، ۵۸). در کتب و مقالات مختلف با عنوان اصول و مبانی ترجمه و فن ترجمه، از جمله فن ترجمه یحیی معروف و مقالات فصلنامه‌ی مترجم، به مواردی از اصول و قواعد ترجمه‌ی مکتوب پرداخته شده که جزء مهم‌ترین منابع این مقاله نیز می‌باشند. اما هدف این مقاله جمع‌آوری و بررسی اصول ترجمه‌ی مکتوب در یک مجموعه می‌باشد. در این راستا به شرح و تبیین اصول ترجمه پرداخته شده و برای تفهیم بهتر، اصولی که می‌توانستند ریشه‌ی مشترکی در زمینه‌ی دستور زبان یا مبحث واژگان و محتوا داشته باشند، در دسته‌بندی‌های جداگانه‌ای در کنار هم قرار گرفتند، ولی نباید نادیده گرفت که همه‌ی آنها ریشه در اصول ترجمه دارند و با هم مرتبط هستند.

این پژوهش به شرح و بررسی اصول ترجمه به‌عنوان یک مبحث علمی مورد نیاز مترجم، با روش توصیف و تحلیلی می‌پردازد و به این سؤالات پاسخ می‌دهد: ۱. ترجمه مکتوب چیست؟ ۲. اصول یک ترجمه مکتوب و موفق چیست؟

فرضیه‌ی پژوهش

۱. ترجمه مکتوب ترجمه‌ای است که در انتقال مطلب فقط از ابزار نوشتاری استفاده شود.
 ۲. اصول واژگانی، زبانی و محتوایی از اصول اصلی یک ترجمه خوب و موفق است.
- در آغاز اصول زبانی ترجمه‌ی مکتوب به عنوان یکی از اصول اساسی ترجمه‌ی مکتوب بررسی می‌گردد.

الف- اصول دستور زبانی ترجمه‌ی مکتوب

این اصول بیشتر به مباحثی می‌پردازد که مرتبط با دستور زبان است و به ساختار زبان مبدأ و مقصد توجه دارد. در ادامه به هریک از آنها پرداخته می‌شود.

۱. تسلط بر زبان مقصد یا زبان مادری

مترجم باید ضمن تسلط بر دستور زبان و اصول بیان و بلاغت زبان مقصد، در زمینه‌ی متون مختلف از جمله ادبی و غیر ادبی مطالعه داشته باشد و علاوه بر آگاهی از شاهکارهای ادبی، مطبوعات آن زبان را از نظر بگذرانند تا از واژه‌ها و اصطلاحات روز جایگزین شده، آگاهی داشته باشد (شمس آبادی، ۱۳۸۰، ۴).

یک مترجم خوب باید پیش از ترجمه، نویسنده‌ی خوبی باشد، یعنی سلیس و صحیح و روان بنویسد و در زبان خویش مشکلی نداشته باشد تا در نگارش دچار زحمت نشود (محدثی، ۲۰۰۹). ودیع فلسطین؛ مترجم ادیب، می‌گوید: «اگر زبان مادری در برابر مترجم رام نباشد، برایش سخت خواهد بود که ترجمه‌ای درست و مورد اعتماد ارائه دهد. بنابراین، نوشته‌اش پریشان و بی‌معنا بوده و پیام و رسالتی را که دارای چارچوب مشخص و هدف معینی باشد، دربرنخواهد داشت» (حسن، ۱۳۷۶، ۵۷).

هرچه قدر یک مترجم تسلط بیشتری به زبان مبدأ نسبت به زبان خودش داشته باشد، امکان معادل سازی کمتر به وجود می آید و در نتیجه قدرت تصرف در متن را از دست می‌دهد (بدیعی، ۲۰۱۰م).

بسیاری از مترجمان تسلط به زبان مادری را امری بدیهی می‌انگارند غافل از آنکه مشکل آنها در یافتن یا معادل ساختن برای مفردات، یا در ادای معانی و مفاهیم دقیق و قابل قبول، بیشتر به خاطر آشنا نبودن به زبان مادری و نه نقص ذاتی آن است (یوسفی، ۱۳۷۱، ۶۵). به چند مورد از ترجمه‌ی آیتی از کتاب تاریخ ادبیات حنا الفاخوری اشاره می‌شود. «أما عددها فقد اختلف المورخون فيه؛ در مورد شمار این قصائد نیز مورخان را اختلاف است» ترجمه‌ی پیشنهادی: تاریخ نگاران در مورد شمار این قصاید اختلاف دارند. یا «نم قتلته: به قتلش آورد» ترجمه‌ی پیشنهادی: او را کشت (دهاقین، ۱۳۸۹، ۱۶۶). یا «لا لفقده عدیلاً: فقدانش را عوضی نمی‌بیند» ترجمه‌ی پیشنهادی: اگر او بمیرد هیچ کس جای او را نمی‌گیرد.

۲. تسلط بر زبان مبدأ

یک مترجم خوب ابتدا باید به پایه‌های اولیه‌ی زبان مبدأ (زبانی که از آن ترجمه می‌شود) تسلط داشته باشد یعنی دستور زبان، واژگان، معانی گوناگون آنها، ریزه‌کاری‌های زبان، اصطلاحات و معانی نهفته‌ای که برخی از واژگان و عبارات‌ها دارند را به‌خوبی بداند. همچنین به فرهنگ، اوضاع جغرافیایی، آداب و رسوم، وضع اجتماعی، سیاسی - اقتصادی به ویژه ادبیات، تاریخ و روحیات آن ملت آشنا شود تا از این طریق بتواند مفهوم واقعی عبارات و اصطلاحات بکار رفته در متن را به‌خوبی درک کند و معادل دقیق آن را با سبک و سیاق سخن و بافت کلام به کار گیرد (شمس‌آبادی، ۱۳۸۰، ۴۱).

مترجم در کنار تسلط بر زبان مبدأ، با توجه به ناهمگونی قالب بندی جوهره‌ی ساختار در زبانها و با توجه به اینکه ممکن است قالب‌های ساختاری به ظاهر همگون، در دو زبان مختلف دارای ارزش و نقش ارتباطی متفاوت باشند نباید ساختارها زبان مبدأ را با ساختارهای متناظرشان در زبان مقصد جایگزین کند بدون اینکه ارزش و نقش ارتباطی آنها را مد نظر قرار دهد؛ زیرا چنین کاری نه تنها باعث می‌شود

متن ترجمه به اصطلاح «بوی زبان مبدأ» را داشته باشد و غیر طبیعی جلوه کند بلکه در دراز مدت رواج ناروای صورت‌ها و قالب‌های زبان مبدأ در زبان مقصد موجب اختلال در نظام آن زبان می‌شود (لطفی پور ساعدی، ۱۳۸۱، ۷۷). مثلاً در ضرب المثل «سبب السیف العذل» اگر بصورت تحت اللفظی، یعنی «شمشیر بر ملامت پیشی گرفت» ترجمه شود در زبان فارسی نقش ارتباطی را برقرار نکرده؛ زیرا معادل درست آن در زبان فارسی «کار از کار گذشت» می‌باشد. یا مثلاً «التدخین ممنوع» در فارسی «استعمال دخانیات ممنوع» ترجمه شده که این معادل یابی خود دارای اشکالاتی است؛ از سویی واژه‌های عربی بکار رفته و از سویی دخانیات به دود ناشی از ماشین‌ها و کارخانه‌ها اطلاق می‌شود، بنابراین، این ترجمه صحیح نمی‌باشد. معنای دیگری که برای «التدخین ممنوع» در فارسی رایج است «سیگار کشیدن ممنوع است» می‌باشد که باز هم واژه‌ی عربی «ممنوع» آمده و بهتر است عبارت «سیگار نکشید» به عنوان معادل فارسی درست جایگزین آن شود.

۳. رعایت دستور زبان در ترجمه

درست بودن هر نوشته‌ای منوط به این است که در آن اصول و قواعد و دستور زبان رعایت شده باشد وگرنه آن نوشته غلط و از دید ادبی فاقد ارزش خواهد بود (قاضی، ۱۳۷۲، ۳۳).

گاهی دستور زبان مبدأ به نوعی در ترجمه به زبان مقصد اثر می‌گذارد بدین معنا که عبارت زبان مقصد قدری از خصوصیات نحوی زبان مبدأ را حفظ می‌کند، بارزترین نمونه‌ی این نوع تأثیر، در ترجمه‌ی تحت‌اللفظی دیده می‌شود؛ در این نوع ترجمه به‌جای هر واژه از زبان مبدأ واژه‌ای از زبان مقصد قرار می‌گیرد و جمله‌ای که به این طریق جایگزین می‌شود، تاحدودی رنگ و بوی نحو زبان اصلی را دارد (معروف، ۱۳۸۶، ۵).

بنابراین، مترجم باید به ساختار زبان مبدأ و مقصد آگاهی کافی داشته باشد تا علاوه بر واردکردن ساختار زبانی به زبان دیگر، معنای نامفهومی ارائه ندهد. مثلاً در ترجمه‌ی تفسیر طبری آیات به صورت تحت‌اللفظی ترجمه شده است. آیه‌ی ۱۹-۲۰ سوره‌ی

ذاریات، «وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَ الْمَحْرُومِ ۱۹ وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ ۲۰»، به صورت زیر ترجمه شده است:

«اندر خواست‌های ایشان حقیست مر خواهندگان را و بی روزیان را و اندر زمین نشانه‌هاست بی‌گمانان را» (طبری، ۱۳۵۶، ۱۷۵۲).

۴. پرهیز از ترجمه به زبان غیر فصیح

یکی دیگر از مشکلاتی که اغلب گریبانگیر مترجم می‌شود استفاده از کلمات غیر فصیح و تقریباً محاوره‌ای و عامیانه است که نگارش آن ضرورتی ندارد. استفاده از این قبیل واژگان تا حدود زیادی از ظرافت و زیبایی ترجمه می‌کاهد (معروف، ۱۳۸۶، ۶۱).

ناگفته نماند ترجمه‌ی محاوره‌ای و عامیانه در جایگاه خود مثلاً داستان و نمایشنامه و فیلم ارزشمند است. به چند مورد از این ترجمه‌ها اشاره می‌کنیم "أرجو ألا ترفضها و لا تسيئى تأويلها" فقط امیدوارم آن را رد نکنی و ازش برداشت بد نداشته باشی (احمدی، ۱۳۸۹، ۲۷۳).

"كيف لا تعلم؟ ألم تكن هنا؟ هل هي أوصتك بأن تقول ذلك؟" چطور نمی‌دانی؟ مگر اینجا نبودى؟ آیا او از تو خواسته که این را بگویی؟" (همان: ۲۶۷).

"ما يقول الجيران «زينب» عنى؟ أتركيهم، لا تحفلى برّذ" زینب همسایه‌ها درباره‌ی من چه می‌گویند؟ زینب: رهایشان کن، پاسخشان را نده.

"حَلَى حسابه لا تعدى" حسابش را رها کن و مشمار (خادمی، ۱۳۸۸، ۱۷۵).

۵. دانستن نقش‌های گوناگون زبان

اگر مترجمی اطلاع از این نقش‌ها نداشته باشد یا آن‌ها را به خوبی از یکدیگر تمیز ندهد، نمی‌تواند ترجمه‌ی خوب و روانی ارائه دهد این نقش‌ها عبارتند از:

۱. نقش ارتباطی و اطلاع‌رسانی: زبان در وهله‌ی نخست، ابزار ارتباط میان افراد جامعه یا به عبارت دیگر، وسیله‌ی تفهیم و تفاهم است. چیزی که هرروز به کمک آن می‌توانیم نیازهای اجتماعی خود را برآورده کنیم. مثلاً موقع خرید و فروش می‌گوییم «یک کیلو سبزی بده». در اینجا زبان واسطه‌ای بیش نیست، اصل کار چیزی

بیرون از زبان است و زبان فقط محمل انتقال واقعیت بیرونی است. این نوع کاربرد زبان را کلام وابسته به واقعیت می‌نامیم (حسینی، ۱۳۷۵، ۱۲۳). بسیاری از موضوعات کتاب‌ها، روزنامه‌ها و مجلات نقش اطلاع‌رسانی دارند (شمس‌آبادی، ۱۳۸۰، ۵۵).

۲. نقش دیگر زبان تعبیرهای مختلف نقش ادبی، شعری، هنری یا تخیلی نامیده می‌شود. این نقش زبان را کلام وابسته به خود یا کلام خود ایستا می‌نامیم. مثلاً این شعر حافظ را «دوش دیدم که ملانک در میخانه زدند / گل آدم بسرشتند و به پیمانه زدند» اگر فقط عنوان خبر به آن دهیم نه چیز دیگر، ارزشی ندارد (حسینی، ۱۲۴). در این مورد مخاطب هیچ نقشی ندارد. بسیاری از گفته‌های شکسپیر در هملت همچنان نیایش‌ها، اشعار غنایی و تمامی مرثیه‌ها از این مورد به شمار می‌آیند (شمس‌آبادی، ۱۳۸۰، ۵۶).

۳. نقش زیبایی‌شناختی: در این مورد گوینده تنها به زیبایی‌های کلامی توجه می‌کند. مقامات یا متون مصنوع در ادبیات عربی از این گونه هستند، مترجم در چنین شرایطی باید از متون مصنوع و فن مقامه نویسی اطلاعات کافی داشته باشد، نویسندگان آن را بشناسد و آثارشان را مطالعه کند (همان: ۶۲).

۴. نقش صحبت‌گشایی: هدف در این مورد تنها کلام برای کلام است. مثال دو نفر در سفر خود روی صندلی یک ردیف اتوبوس کنار هم نشسته‌اند و با یکدیگر هیچ‌آشنایی ندارند. آن‌گاه یکی از آنها سخن را درباره‌ی وضع هوا آغاز می‌کند تا مقدمه‌ای برای همنشینی چندساعته باشد و هیچ هدف دیگری از این سخنان ندارند (همان: ۷۰).

۶. حفظ زبان خاص متن

یکی دیگر از اصول ترجمه این است که مترجم زبان متن مورد نظر را بفهمد زیرا در هر متنی لغات و اصطلاحات و معانی حقیقی و مجازی و استعاری وجود دارد و از قواعد جمله‌سازی خاص پیروی می‌کند. اگر مترجم به آن زبان تسلط نداشته باشد در ترجمه دچار اشکال می‌شود؛ چون ساختار کلام در زبان‌های مختلف یکسان نیست (محدثی، ۲۰۰۹).

از سوی دیگر درباره‌ی حفظ زبان متن، گروهی معتقدند مترجم، اهل این زمانه است و برای مردم این زمانه ترجمه می‌کند و لاجرم باید هر متنی، از جمله متون قدیمی را به فارسی امروز برگرداند. چون مخاطبان او به این زبان می‌گویند و می‌نویسند و این زبان را به آسانی درمی‌یابند. گروه دیگری براین باورند که زبان ترجمه در متون قدیمی با توجه به زمان و فضا و حال و هوا و ماهیت شخصیت‌ها و رویدادها باید زبانی متفاوت با زبان امروزی باشد نه به این معنا که مثلاً زبان ۱۵۰۰ سال پیش معادل‌یابی شود بلکه حتی‌المقدور واژه‌ها و عبارات قابل فهم قدیمی برای انعکاس قدمت، وارد زبان معاصر شود (کوثری، ۲۰۱۰).

همچنانکه محمد قاضی، پیشکسوت ترجمه معتقد است زبان متن در دوره‌های مختلف متفاوت است مثلاً نثر مرزبان نامه و کلیله و دمنه با نثر معاصر مانند بزرگ علوی یا جمال زاده فرق دارد. حال اگر اینها به یک نثر و زبان ترجمه شوند بدون شک ترجمه موفق‌تری نخواهد بود حتی در میان آثار نویسندگان معاصر نیز اختلاف زبان وجود دارد (قاضی، ۱۳۷۲، ۳۲).

۷. رعایت اطناب و ایجاز در ترجمه

گاهی نویسنده مطلبی را در یک کلمه یا در یک جمله کوتاه بیان کرده است و مترجم عین آن را وافی به ادای مقصود نمی‌داند در نتیجه به شرح و بسط آن می‌پردازد. پیداست که چنین کاری از رعایت امانت به دور است (همان، ۳۳). از طرف دیگر، اگر در گفتار نویسنده اصلی اطناب وجود داشته باشد باز هم مترجم حق ندارد که به اختیار خود در آن دخل و تصرف کند (معروف، ۱۳۸۶، ۵۴). در واقع حذف در ترجمه جایگاهی ندارد، اما اگر به منظور سهولت و روانی بیشتر صورت گرفته باشد قابل اغماض است (همان: ۵۵).

در صورتی که مترجم لازم بداند در مورد مطلبی از متن اصلی توضیح دهد یا نظر شخصی خود را بیان کند می‌تواند این توضیحات را به صورت حاشیه در زیر صفحه ذکر کند و رابطه حاشیه با متن را با نوشتن عدد یا ستاره در متن اصلی و در آغاز حاشیه خود روشن کند علامت [م] در پایان حاشیه، مبین این خواهد بود که توضیح از مترجم است (وزین پور، ۱۳۸۱، ۳۰۰). با وجود این گاهی شرایط ترجمه و برخی از ضرورت‌های آن

ایجاب می‌کند که مترجم عبارت یا جمله‌ای را از متن اصلی حذف کند و یا آن را توضیح دهد و این کار خاص یک مترجم و یک زبان نیست، بلکه در همه زبان‌ها و مترجمان دیده می‌شود. مانند ترجمه‌های مختلف یک کتاب که به ندرت با متن اصلی برابر است (حسن، ۱۳۷۶، ۷۱).

۸. پرهیز از سرهنویسی و عربی‌زدایی

نکته‌ی مهم دیگر در اصول ترجمه آن است که مترجم به فکر پالاییدن زبان فارسی از واژه‌های رایج عربی و جایگزینی آن با فارسی سره نباشد. این مطلب از باب تعصب نسبت به زبان عربی نیست؛ زیرا در سایر زبان‌ها هم قضیه به همین صورت می‌باشد (معروف، ۱۳۸۶، ۵۹).

هیچ زبانی نیست که از ورود واژه‌های بیگانه برکنار مانده باشد، پس صرف ورود واژه‌های بیگانه به خودی خود نمی‌تواند خطری به‌شمار رود. اگر چنین می‌بود، «زبان فارسی در رابطه‌ی چندین و چندساله‌اش با زبان عربی و أخذ ده‌ها هزار واژه و اصطلاح از آن زبان، تاکنون می‌بایست به کلی نابود شده باشد و حال آنکه نه تنها چنین فاجعه‌ای رخ نداده، بلکه برعکس چه‌بسا تکامل آن و توانایی کم‌نظیرش در بیان ظریف‌ترین دقایق فکری و معنوی و امکانات درونی‌اش برای انطباق با پیچیده‌ترین مسائل فرهنگی و علمی جهان امروز، در وهله‌ی نخست مرهون همین أخذ و اقتباس بوده است» (نجفی، ۱۳۶۱، ۴). پیشینیان ما در گرماگرم نفوذ زبان عربی، هر جا احساس نیاز کرده‌اند، به ابداع کلمات و ترکیبات جدید پرداخته‌اند و با این کار در اعتلا و گسترش زبان فارسی سنگ تمام گذاشته‌اند (حسینی، ۱۳۷۵، ۱۶).

بنابراین زبان‌ها بدون تأثیر و تأثر از هم رشد نمی‌کنند و راکد و منزوی باقی می‌مانند. هرچند بحث سرهنویسی و عربی‌زدایی مخالفان و موافقان خاص خود را دارد.

ب- اصول واژگانی ترجمه‌ی مکتوب

این اصول به انتخاب واژگان و اصطلاحات و معادل‌های صحیح و رایج در زبان مقصد می‌پردازد؛ زیرا عدم گزینش واژه‌های درست باعث اختلال در فهم مطلب می‌شود.

۱. استفاده از لغت‌نامه و پرهیز از اعتماد بر حافظه

یکی از ابزارهای مهم در کار ترجمه، لغت‌نامه است، هرگونه مسامحه در استفاده‌نکردن از آن، اعتماد به حافظه و اکتفا به معنای کلماتی که در ظاهر کامل‌کننده‌ی متن است، اما معنای صحیح واژه نیست، موجب به‌خطرفتن مترجم خواهد شد. به نمونه‌ای از تاریخ طبری توجه کنید: «أهدت له زینب بنت الحارث امرأة سلام بن مشکلة شاة مصلية». ترجمه: «زینب دختر حارث، زن سلام بن مشکله بزغاله‌ای برای وی هدیه آورد». در این ترجمه گوسفند بریان «بزغاله» ترجمه شده، اگرچه ممکن است «شاة» در برخی لغت‌نامه‌ها به معنای گاو وحشی، گوسفند، بزغاله آمده باشد، اما معنای رایج این واژه «گوسفند» است. علاوه بر آن، واژه «مصلية» هم ترجمه نشده است (معروف، ۴۹).

نکته‌ی دیگر در این زمینه ترجمه‌ی فعل‌هایی است که معنای مجرد و مزید آنها با یکدیگر متفاوت است در چنین حالتی مترجم ممکن است با تکیه بر محفوظات در ترجمه به خطا رود. مانند: «ضرب: زد»، «أضرب: اعتصاب کرد» (همان: ۵۱). بهتر است ابتدا از فرهنگ یک زبانه و سپس از فرهنگ دو زبانه استفاده شود؛ زیرا فرهنگ دو زبانه برای یافتن معادل دقیق، بهتر است و فرهنگ یک زبانه مترجم را با روح ترجمه‌آشناتر می‌کند. برای یافتن معادل واژه‌های تخصصی و اصطلاحات باید به فرهنگ‌های تخصصی و فرهنگ اصطلاحات مراجعه کرد (ناظمیان، ۱۴، ۱۳۸۵).

۲. معادل‌یابی

یافتن برابر و معادل، برای لغات و اصطلاحات و تعبیرات از مراحل دشوار ترجمه است؛ مترجم هرچه ادیب‌تر و پرمطالعه‌تر باشد، به‌لحاظ وسعت دایره‌ی معلوماتش بهتر و دقیق‌تر می‌تواند معادل‌یابی کند. گاهی در متن کلمه‌ای به کار رفته است که با مراجعه به لغت می‌بینیم به چندین معناست. در ترجمه کدام یک را باید آورد؟ هم باید دید کدام معنا با سیاق جمله و مطالب سازگار است و هم از میان معادل‌های نزدیک به هم آنچه را که دقیق‌تر، نزدیک‌تر و مصطلح‌تر است باید برگزید. به علاوه یک واژه در کاربردهای مختلف، شاید معادل‌های مصطلح مختلفی داشته باشد که باید سراغ رایج‌ترین آنها

رفت (محدثی، ۲۰۰۹). مثلاً «سَيِّءُ التَّرْبِيَةِ: بی تربیت»، «تَغْذِيَةُ سَيِّئَةٍ: سوء تغذیه»، «سُلُوكٌ سَيِّئٌ: رفتار ناپسند» واژه‌ی «سَيِّءٌ» در این کلمات و تعابیر همه از ریشه واحد است ولی در معادل ها، گاهی کلمات مختلفی باید گذاشت که همیشه کلمه ی «بد» معادل مطلوب آن نیست. یافتن و تشخیص «تشابه های» هر دو زبان و نیز «تفاوت» های آن در کیفیت جمله بندی و قواعد نگارش و کاربرد اصطلاحات و لغات، از نیازهای عمده مترجم است. البته گاهی هم برای یک کلمه ترکیب، اصطلاح یا معادل شناخته شده ای نیست، اگر مترجم ادیب و زبان شناس باشد می تواند برابر و معادل وضع کند. این اصطلاح سازی باید منطبق بر قواعد ادبی زبان مقصد باشد. اصطلاح سازی در موارد نبود واژه های معادل، اغلب در متون و موضوعات علمی و فنی و ابزار و ادوات صنعتی پیش می آید (همان، ۵).

۳. تسلط بر اصطلاحات خاص

همیشه جملات به صورت عادی و معمولی نیست گاهی در متن اصطلاح، ضرب‌المثل، معنای مجازی و کنایی یا تعبیر علمی خاصی که معنای ویژه‌ای دارد، به کار می‌رود. مترجم باید هم اصطلاحات خاص «زبان مبدأ» را بداند هم اصطلاحات معادل آن را در «زبان مقصد»، مثلاً «التَّمْيِزُ العُنْصُرِي» اصطلاحاً به جای «تبعیض نژادی» است و «تقریر یومی»، «گزارش روزانه». ندانستن اصطلاحات، کار ترجمه را مشکل می سازد؛ زیرا این کار تنها از «کتاب لغت» بر نمی‌آید. ضرب‌المثل‌ها، طنز، کنایات و ... نیز در همین مقوله است و دانستن معادل آنها در زبان دوم بسیار کار ساز است (همان: ۳).

همچنین در ترجمه، اصطلاحات علمی و فنی باید زیر آنها خط کشید(تا در حروف چینی درشت ترچیده شود) و معادل خارجی آن در حاشیه صفحه بیاید و در صورت لزوم در همان حاشیه آن اصطلاح تعریف گردد. این روش تنها در مرتبه اول ضرورت دارد، در صورت تکرار یک اصطلاح در بقیه ی متن تنها به ذکر معادل فارسی آن اکتفا خواهد شد (وزین پور، ۱۳۸۸، ۳۰۱).

۴. پرهیز از تعدد مترادفات

مترجم باید تا حد امکان سعی کند در برابر هر واژه از زبان مبدأ، تنها یک واژه از زبان مقصد قرار دهد. تعداد مترادفات اگر از حد طبیعی خارج شود؛ موجب افزایش حجم کتاب می شود به عبارت دیگر اگر در مقابل هر واژه ی عربی مانند «البر» دو واژه ی فارسی «نیکی و احسان» قرار داده شود پس از مدتی ترجمه چند برابر اصل خواهد شد (معروف، ۱۳۸۶، ۵۴).

۵. انتخاب واژه های مأنوس در ترجمه

از اصول اولیه و مهم در ترجمه، دقت در گزینش واژگان مأنوس در زبان مقصد است؛ زیرا ترجمه نباید از اصل دشوارتر باشد. مترجم باید سعی کند واژه هایی را برگزیند که در زبان مقصد قابل فهم است استفاده از واژگان ترجمه نشده در زبان مقصد، غالباً موجب سردرگمی خواننده می شود (همان: ۵۵). همچنین مترجم باید از یک ذوق ادبی و احساسی دقیق برخوردار باشد که زیبایی واژه های برگزیده برای ترجمه را به او بنمایاند، واژه هایی که ذوق یا عرف عام از آنها متنفر نباشد و در کاربرد، به آسانی بر زبان‌ها جاری شود. به عبارت دیگر در نزد عامه ی مردم، دارای معنای خاص ناشایستی نباشد و در آنها تنافر حروف وجود نداشته باشد (حسن، ۱۳۷۶، ۱۸۱).

مترجم باید در ترجمه‌ی مطالب سعی کند کلمات و لغات معادل با اصل و وافی به مقصود را پیدا کرده، سپس فصیح ترین و رساترین آنها را برگزیند (معروف: ۵۶). به چند نمونه از ترجمه ی غیر فصیح جملات و کلمات در ترجمه‌ی کتاب «دختران ریاض» اشاره می کنیم:

«سیل متلک‌های معصومانه و وقیحانه» (رجاء عبدالله صانع، ۱۳۸۸، ۳۴). سیل متلک های با غرض و بی غرض.

«بین دوستان سه گانه اش پخش کرد» (همان: ۶۸). بین سه دوستش پخش کرد.

«آن موقع به مخت پلاتین چسبیده بود» (همان، همان). مغزت کار نمی کرد.

«کار مهملی است» (همان: ۶۶). کار بیهوده ای است.

«لمیس سارا را واقعاً آشفته خود کرده بود» (همان : ۲۰۲). لمیس سارا را واقعاً شیفته ی خود کرده بود.
«هیچ گاه عشق را نجاستی تصور نمی کرد» (همان : ۱۳۹). هیچ گاه عشق را آلوده تصور نمی کرد.

۶. انتخاب واژگان دقیق و خوش آهنگ به جای واژه‌های متن اصلی

انتخاب واژه های درست و دقیق و خوش آهنگ به ذوق و سلیقه یا به ویژگی های هنر مربوط می شود، می دانیم که واژه ها در زبان خارجی همچون زبان فارسی معانی متعدد دارند و نیز برای یک معنی گاه واژه های متفاوت وجود دارد به عنوان مثال در رمان «دن کیشوت سروانتس» به لحن خاص خود «پهلوان پنبه» را به صورت کسی توصیف کرده است که همیشه قیافه‌ی غمزده و محزونی دارد در صورتی که محمد قاضی آن را به صورت پهلوان افسرده سیما آورده است (قاضی، ۱۳۷۲، ۳۲) و گمان کرده آن از «پهلوان غمگین چهره» یا «محزون قیافه» خوش آهنگ تر است. انتخاب واژه ها ی خوش آهنگ و درست و دقیق یکی از جنبه های هنری ترجمه است که بر ارج و قدر آن به میزان زیادی می افزاید (همان : ۳۳).

۷. انتخاب عنوان مناسب

اصولاً عنوان کتاب ترجمه شده نباید مغایر با عنوان کتاب در زبان مبدأ باشد، گاه دیده می شود مترجم با انگیزه های مختلف مانند جلب خریدار و غیره عنوان کتاب مبدأ را در ترجمه تغییر می دهد (معروف، ۱۳۸۶، ۵۳). این تغییر نوعی دخل و تصرف در کار نویسنده ی اصلی است؛ زیرا انتخاب و یا تغییر عنوان از وظایف مترجمان نیست (همان، ۵۴). ولی می توان در ترجمه ی عنوان تاحدودی آزاد عمل کرد و سنت های ادبی و سلیقه ای خواننده «میزبان» را زیر نظر گرفت، اما هرگزینشی به هر حال باید با اتکا به متن و ارزیابی آن صورت گیرد؛ عنوان اثر در مقام چکیده ی آن اگر غلط باشد می تواند برداشت نادرستی از تمامی متن به مخاطب ارائه دهد (حدادی، ۱۳۷۵، ۹۰).

محمد قاضی معتقد است ترجمه‌ی اسم کتاب از مشکل‌ترین و حساس‌ترین مراحل ترجمه محسوب می‌شود و باید مترجم با دقت و وسواس خاص این مقوله را رعایت کند او گاهی اسم کتابها را به دلایلی از جمله رسا نبودن نام به گونه‌ای دیگر ترجمه کرده است مثلاً کتاب «ماجرای یک پیشوای شهید» در ابتدا تحت عنوان «ماجرای یک مسیحی فقیر» انتشار یافته است (قانع‌ی فرد، ۱۳۷۹، ۷۱).

بنابراین، اگر تغییر عنوان با هدف رساندن دقیق‌ترین و بهترین معادل در زبان مقصد باشد، قابل اغماض است؛ مثلاً سریال «الرساله» عربی که در فارسی با وجود رایج‌بودن واژه‌ی رسالت از معادل «محمد رسول‌الله» استفاده شده است یا واژه‌ی «المغامرة» که ترجمه‌ی «داستان‌ها» از ترجمه‌ی «ماجرای‌ها» شایع‌تر و مفهوم‌تر است.

۸. درک اصل تأثیر برابر واحد ترجمه

متن ترجمه‌شده باید تأثیر مشابه متن اصلی در خواننده داشته باشد (شمس‌آبادی، ۱۳۸۰، ۷۶). اصل تأثیر برابر به مسأله‌ای دیگر به نام «واحد ترجمه» وابسته است. در واقع این واحد ترجمه است که گونه‌های متفاوتی از آن را به وجود می‌آورد، هر مترجم باید بداند چه بخشی از متن را برای برابری برابری برگزیند. آیا واژه را یک واحد بنامد؟ یا عبارت و جمله را برای برابری، واحد ترجمه به‌شمار آورد؟ روشن است هرگاه با واژه‌ی «الرأس» به‌تنهایی روبه‌رو می‌شویم آن را سر ترجمه می‌کنیم و به این کار نداریم که این واژه از عناصر کوچکتری مانند ر. ا. س، تشکیل شده است در واقع ما کل «رأس» را یک واحد به‌شمار می‌آوریم و نیز هرگاه با واژه‌ی «المال» روبرو می‌شویم آنرا «دارائی» ترجمه می‌کنیم. گونه‌ی دیگری نیز وجود دارد که این هر دو واژه در کنار یکدیگر می‌آیند و «رأس المال» را تشکیل می‌دهند. در اینجا واحد ترجمه یعنی بخش برابرگزینی «الرأس» و «المال» نیست، بلکه به‌عنوان یک واحد تلقی می‌گردد و نمی‌توانیم آنرا به «سر دارایی» ترجمه کنیم - کاری که در بسیاری از ترجمه‌ها به چشم می‌خورد و معادل درست آن سرمایه است (همان: ۷۷).

برای فهم بهتر معنای واحد ترجمه به ترجمه اصطلاحات و ضرب المثل‌ها و تعابیر می‌پردازیم. مثلاً: اصطلاح «قسم المرور» یا ضرب المثل «تسمع بالمعیدی خیر من أن تراه» در صورتی که واژگان شان ترجمه شود، معنای «بخش گذشتن» و «نام معیدی را بشنوی بهتر از آن است که او را ببینی» به دست می‌آید که برای فارسی‌زبانان مفهوم نیست؛ چون واحد طبیعی ترجمه نادیده گرفته شده است هر چند برخی مترجمان ترجمه‌ی واژگانی را رعایت امانت می‌دانند (شمس آبادی، ۱۳۸۰، ۷۹). معنای اصطلاحی مثال‌های بالا «اداره راهنمایی و رانندگی» و «آواز دهل شنیدن از دور خوش است» می‌باشد (همان: ۸۰).

ج- اصول محتوایی ترجمه‌ی مکتوب

این اصل در ترجمه به فهم محتوای متن مورد ترجمه توجه دارد که این محتوا شامل موضوع لحن، سبک، احساس و باور نویسنده می‌شود:

۱. فهم موضوع ترجمه

مترجم باید اطلاعات زیادی در زمینه موضوع ترجمه داشته باشد، تصور اشتباهی که وجود دارد این است که مترجم باید هر متنی را ترجمه کند در صورتی که اینطور نیست مترجم می‌تواند در یک یا چند موضوع به مقدار تلاشی که کرده است به ترجمه بپردازد (شمس آبادی، ۱۳۸۱، ۶۱).

صرف دانستن یک زبان، نباید سبب شود که در هر موضوعی انسان دست به ترجمه بزند. رشته‌ها و علوم مختلف، گاهی از مباحث، موضوعات و اصطلاحات خاصی برخوردار است که اگر مترجم با آن موضوع آشنا نباشد به خوبی از عهده‌ی ترجمه بر نمی‌آید (محدثی، ۲۰۰۵).

جاحظ در این باره می‌گوید: «مترجم باید در آنچه که ترجمه می‌کند توانا باشد و خود صاحب همان دانشی باشد که مؤلف دارد؛ بدین معنا که در زبان مبدأ و مقصد تبحر داشته باشد به قسمی که هر دو زبان را به یک اندازه و آن هم به غایت بداند. هر چه علمی دشوار ودانایان به آن اندک باشند به همان اندازه کار بر مترجم آن علم مشکل تر می‌گردد» (معروف، ۱۳۸۶، ۴۵).

فلیکس دوما - یکی از صاحب‌نظران غربی - در این باره می‌نویسد: «کسی که نبوغش به اندازه‌ی صاحب اثر نیست، نباید اثر او را ترجمه کند». این عقیده با اینکه قدری با واقعیت ملموس فاصله دارد اما سخنی درخور تأمل است؛ زیرا ترجمه متون تخصصی مستلزم دانش و آگاهی مخصوص در آن زمینه است (همان، ۴۵).

بنابراین آشنایی با موضوع متن اصلی، نقش مهم و بسزایی در توفیق مترجم برای ارائه‌ی ترجمه‌ی صحیح و روان دارد. علوم و دانش‌های مختلف سرشار از اصطلاحات و تعبیری هستند که مرز و محدوده آنها را از یکدیگر تفکیک می‌کند (ناظمیان، ۲۳، ۱۳۸۵).

۲. مراعات امانت و پرهیز از هرگونه دخل و تصرف

یکی از اصول بسیار مهم در ترجمه، مراعات امانت و پرهیز از هرگونه دخل و تصرف است که متأسفانه کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد مترجم به عنوان نماینده و امین مؤلف باید از موضوع و سبک او محافظت کند. این امانت داری باید تا آنجا پیش رود که اگر مؤلف خواست کتابش را به زبان ترجمه بنویسد چندان تفاوتی با آن نکند اصولاً در ترجمه، غیر از یافتن واژه‌های برابر و قراردادن آنها در جملاتی که از نظر دستوری صحیح است، باید به آهنگ کلمات گوش داد و خود را به جای خواننده قرار داد و از زاویه دید او به جملات نگریست و قضاوت کرد. باید عباراتی را که ساخته ایم کنار یکدیگر قرار داده سپس به طنین عبارت‌ها چندبار گوش دهیم تا بهترین کوشش ما برای حفظ امانت مراعات شده باشد (معروف، ۱۳۸۶، ۴۷).

علاوه بر تخصص و مهارت، مترجم باید نسبت به محتوا یا مؤلف متن یا موضوع خاص، نظر شخصی خود را اعمال نکند و متعهد به متن باشد. دخالت‌دادن دیدگاه‌ها و پیش‌فرضهای شخصی در ترجمه از اعتبار آن می‌کاهد. اگر مترجم دیدگاه مؤلف را قبول ندارد، می‌تواند در پاورقی و الحاقات بیان کند نه اینکه متن را طبق دلخواه و سلیقه‌ی خود ترجمه کند. نکته‌ای که باید افزود این است که در ترجمه به خصوص در ترجمه‌ی متون ادبی و مذهبی مثل قرآن، حدیث و دعا، رعایت شیوایی و زیبایی ترجمه، موجب دور شدن از امانت می‌شود و رعایت

امانت در ترجمه نوشته را از زیبایی و شیوایی دور می‌کند جمع میان این دو خیلی دشوار است و هنرمندترین مترجمان آنانند که شیوایی و امانت را هر چه بیشتر در ترجمه خود داشته باشند. عمده دشواری کار ترجمه در متون دینی و مذهبی از همین جا سرچشمه می‌گیرد. به خصوص در مواردی مثل قرآن، ژرفای مفاهیم و تفسیرهای گوناگون، کار ترجمه را سخت تر می‌سازد (محدثی، ۲۰۰۹).

ناگفته نماند یکی از دلایل افت ترجمه، غالباً ناشی از پاینبودن بیش از حد مترجم به جنبه‌های صوری لغات، عبارات و ساختارهای زبان مبدأ می‌باشد چون او این پایبندی را رعایت امانت می‌داند و می‌کوشد ظاهر الگوهای رعایت دستوری و ترکیبات لغوی زبان مبدأ را برهم نزند و عیناً آن را از زبان مبدأ به زبان مقصد برگرداند و در نتیجه، کار چیزی خواهد شد که اصطلاحاً به آن ترجمه‌ی تحت‌اللفظی می‌گویند (هژبرنژاد، ۱۳۷۲، ۱۴۹). مثلاً در سوره‌ی ۱۵، آیه‌ی ۲۲ «وَأَرْسَلْنَا الرِّيحَ لَوَاقِحَ» در یکی از چاپ‌های متداول قرآن چنین ترجمه شده است: «ما باده‌ها را آبستن‌کنان فرستادیم». ترجمه‌ی دیگر «ما باده‌های آبستن‌کن رحم طبیعت را فرستادیم» می‌باشد. این‌ها تقریباً ترجمه‌ی لفظ به لفظاند و با این‌همه امین نیستند، زیرا سبک را فدای محتوا کرده‌اند. اما ترجمه‌ی همین عبارت در یک متن متعلق به قرن پنجم- ششم هجری از امام محمد غزالی (یا احتمالاً ابوحفص نجم‌الدین عمر نسفی) چنین است: «و ما باده‌ها را به دامادی گل‌ها و درختان فرستادیم» این ترجمه امین است هرچند «دامادی» و «گلها» و «درختان» را از خود به متن افزوده است، زیرا مترجم می‌دانسته که در اینجا سبک متن اصلی را چگونه به فارسی برگرداند تا در عین حال هم محتوا را کاملاً بیان کرده باشد و هم سبک شاعرانه را (حسینی، ۱۳۷۵، ۱۳۰-۱۳۱).

۳. حفظ سبک نویسنده

رعایت سبک به انتخاب معادل صحیح واژه‌ها و ساخت دستوری جمله در زبان مقصد وابسته است به عبارت ساده تر از میان چند واژه‌ی معادل و چند ساخت دستوری

می‌بایست گونه‌ای را انتخاب کرد که در مجموع بتواند سبک متن زبان مبدأ را در زبان مقصد نشان دهد (صفوی، ۱۳۷۱، ۷۴).

متن گاه ساده و روان یا ادبی و توصیفی یا علمی و محققانه است. مترجم نیز باید به متن وفادار بماند و آن سبک را در ترجمه حفظ کند به خصوص اگر شعری یا متن ادبی زیبایی ترجمه شود باید در حد امکان نکات بدیعی و صناعات لفظی و ظرافت‌های بکار رفته در متن نخستین در ترجمه اعمال شود و این کار بسیار دشواری است. رعایت سبک متن مبدأ در ترجمه به نوعی امانت در ترجمه هم محسوب می‌شود، هم باید دید مؤلف چه گفته و هم اینکه چگونه گفته است. سبک ترجمه در موضوعات مختلف و رشته‌های گوناگون کلامی نیز یکسان نیست (محدثی، ۲۰۰۹).

گاهی سبک و زبان نویسنده‌ی متن اصلی نادیده گرفته می‌شود، این مورد به وضوح در ترجمه‌ی شفاهی یا زیرنویس بعضی از فیلم‌ها مشاهده می‌شود که مخاطبان متن اصلی - چه شنیداری و چه دیداری - همه برای مثال می‌خندند و مخاطبان زبان مقصد هاج و واج می‌مانند که چیز خنده‌داری گفته نشده است (تقی بیگی، ۲۰۱۰).

مترجم برای آنکه بتواند سبک متن اصلی را به زبان ترجمه انتقال دهد، باید علاوه بر احاطه به آنچه مربوط به زبان به معنای اخص (جنبه‌های آوایی، واژگانی، نحوی) و موضوع و محتوا (علمی، ادبی، مطبوعاتی)، اعتقادات نویسنده‌ی آن متن، تجربه، ملاک‌ها، گرایش‌های ذوقی وی را داشته باشد یا لاقلاً آن‌ها را درک کند (کیوانی، ۱۳۷۹، ۱۲).

۴. حفظ لحن نویسنده

در آثار ادبی و شعری لحن، یعنی حالت نویسنده و شاعر نسبت به موضوع یا خواننده یا خودش (حسینی، ۱۳۷۵، ۱۶۵). نویسندگان همه مثل هم نیستند و سبک نگارش و زبان ایشان به تناسب خصوصیات روحی و فکری و اخلاقشان با هم فرق می‌کند (قاضی، ۱۳۷۲، ۳۱). اگر یکی از آثار مهاتما گاندی را بخوانید، می‌بینید که آن بزرگوار اندک لحن شوخی و مسخرگی یا شیرین‌زبانی و طنز گویی در گفتار

و قلمش نیست و عین مطلب مورد نظرش را خشک و بی پیرایه روی کاغذ آورده است یا اگر جزیره پنگوئن‌های آناتول فرانس را بخوانید می بینید آن مرد چقدر طنز و تمسخر در گفتار و نوشته هایش به کار برده است. مترجم ممکن است مفهوم متن را فهمیده باشد ولی لحن کلام را در نیافته باشد. مثلاً در فارسی بین بفرما و بنشین و بتمرک خیلی فرق است و اگر مترجم بفرما را به بنشین و بتمرک یا بالعکس ترجمه کند مفهوم متن را رسانده ولی لحن متن اصلی را رعایت نکرده است (همان: ۳۲).

۵. منعکس کردن روح و احساس در ترجمه

پس از ترجمه و معادل یابی مفردات متن، چینش کلمات و دقت در بیان احساس مؤلف شرط اساسی ترجمه است (معروف، ۱۳۸۶، ۶۲). عادل زعتیر، مترجم، می‌گوید: «وظیفه‌ی مترجم تنها ترجمه عبارت بیگانه به عربی نیست بلکه مرحله‌ی بسیار مهم‌تر از این وجود دارد و آن، این که مترجم در روح و احساس نویسنده نفوذ کند و شخصیت مؤلف را کاملاً درک نماید» (حسن، ۱۳۷۶، ۵۵). مترجم باید روح و احساس گوینده را درک نماید تا بتواند متن او را ترجمه کند، مثلاً زمانی که مؤلف از حماسه و نبرد سخن می‌گوید او هم در ترجمه احساس حماسی را حاکم سازد (معروف، ۶۲). همچنین مترجم ادیب «ودیع فلسطین» می‌گوید: «خواننده فرصت نمی‌یابد تا ایده‌ای درست و اندیشه‌ای صحیح درباره نویسنده داشته باشد، مگر اینکه ترجمه‌ی دقیق کلمات و مفردات در آثار آن نویسنده مراعات شده باشد بدون آنکه حتی خللی به روح متن وارد آید چه رسد به خلل در الفاظ واژه‌ها» (حسن، ۵۵).

۶. مراجعه به ترجمه با فواصل زمانی

ترجمه متون در فواصل زمانی مختلف، کاملاً با یکدیگر متفاوت است لذا پیشنهاد می‌شود متن ترجمه شده را پس از اتمام کار، مدتی کنار گذاشته تا ذهنیت قبلی از حافظه زدوده شود و پس از آن تجدید نظر و اصلاح گردد این عمل موجب پختگی ترجمه و کاستن از خطاهای احتمالی می‌شود (معروف، ۶۱).

۷. انس و الفت با نویسنده و فضای حاکم

انس و الفت مترجم با یک نویسنده خاص و آشنایی با آثار و آراء او اگر اصل واجبی نباشد، اصل لازمی محسوب می‌شود. مترجمی که آثار نویسنده مشهوری را ترجمه می‌کند باید با تفکر و اندیشه او دمساز باشد تا بتواند عمق وجود او را درک کند (معروف، ۱۳۸۶، ۵۷). یک مترجم پیش از آنکه اقدام به ترجمه متنی کند باید به اوضاع منطقه یا کشوری که این متن در آن نوشته شده است، آشنایی داشته باشد (فتحی دهکردی، ۱۳۸۶، ۵۱). به این خاطر پسندیده است مترجم مدتی را در میان مردم در کشور زبان مبدأ و مقصد اقامت داشته باشد تا بتواند در متن زبان قرار گیرد و حال و هوا و ظرافت‌ها و ریزه‌کاری‌های هر دو زبان را به خوبی بشناسد. به عنوان مثال کسی که نداند ۲۲ بهمن، اول فروردین، ۱۳ فروردین در ایران یادآور چه رویدادی است، چگونه می‌تواند ترجمه‌ای قابل قبول ارائه دهد؟ (معروف، ۱۳۸۶، ۵۷).

۸. دمسازی با روحیه‌ی نویسنده

یکی دیگر از اصول ترجمه آن است که مترجم با روحیه‌ی نویسنده‌ای که اثرش را ترجمه می‌کند دمساز باشد. مترجم برای رسیدن به چنین مقصودی باید تاحدی از پیشینه‌ی فرهنگی نویسنده بهره مند باشد تا از این طریق نوعی وحدت و انسجام ایجاد کند. چنین دمسازی را می‌توان با دمسازی بازیگری سنجید که باید نقش خود را حس کند. سخنانی که باید بر زبان براند در قالب‌های زبان حرکات، سکنتات، لحن، حالت‌های چهره و... بریزد. کوتاه سخن اینکه وی باید در جلد شخصیت هافرو رود. مترجم نیز باید از قریحه‌ی تقلید برخوردار باشد و بتواند نقش نویسنده را به جا آورد و رفتار و گفتار و اطوار او را با بیشترین شباهت ممکن تکرار کند (شمس‌آبادی، ۱۳۸۰، ۷۰-۷۱).

۹. توجه به مخاطب ترجمه

یکی دیگر از اصول ترجمه آن است که مترجم باید از ابتدای کار مخاطب خود را مشخص کند. هرچند این مخاطب واقعی یا فرضی باشد. با توجه به اینکه مخاطبان مختلف دارای دانش و تجربه و مهارت و تمایلات و ذوق و توانایی و انتظارات خاصی می‌باشند و محدوده‌ی سنی ویژه‌ای دارند و وابسته به قشر خاصی از جامعه هستند، مترجم باید مشخصات خواننده‌اش را هنگام ترجمه پیوسته در نظر داشته باشد و نباید نادیده گرفت که موفقیت ترجمه نسبی است و به عکس‌العمل مخاطب بستگی دارد و باید نیازها و انتظارات مخاطب خود را برآورده کند (هلبلک، ۱۳۷۰، ۳۱).

نتیجه

- لازمه‌ی موفقیت در هر زمینه‌ای شناخت راه کارها و به‌کارگیری آنها در رسیدن به هدف است. یک ترجمه‌ی خوب و بدون نقص هم از این قاعده مستثنی نیست.
- ترجمه‌ی مکتوب یکی از انواع اصلی ترجمه است که قدمت آن و شناخت فواید آن، ضرورت توجه به اصول و روش های صحیح ترجمه را بارزتر می کند.
- تسط به زبان مبدأ و مقصد و شناخت دقیق واژگان، اصطلاحات، استعاره ها، مجازها و ... در هر زبان باعث می‌شود ترجمه‌ی مقبولی ارائه شود.
- هرچه یک مترجم تسلط بیشتری به زبان مبدأ نسبت به زبان خودش داشته باشد امکان معادل سازی کمتر به وجود می آید.
- حفظ سبک، لحن، محتوای متن و همچنین شناخت پیشینه‌ی مولف و آراء و اندیشه‌های او و آگاهی به موضوع مورد ترجمه و تخصص در آن زمینه از وظایف مترجم می باشد.
- رعایت امانت در ترجمه به معنای ترجمه‌ی تحت اللفظی نیست بلکه گاهی خود ترجمه‌ی واژه به واژه، مفهوم نامناسبی در زبان مقصد به دست می دهد، بنابراین امانت در ترجمه یافتن برابره‌ای رایج و مقبول در زبان مقصد است.

- برخلاف تصویری که وجود دارد مترجم نمی‌تواند هر متنی را ترجمه کند، بلکه برای ارائه‌ی کار مطلوب باید در زمینه‌ی ای که تخصص دارد به ترجمه بپردازد.

کتاب‌نامه

- احمدی، معظمه، (۱۳۸۹ هـ.ش). «ترجمه‌ی رمان ساره و نقد ساختاری آن»، کارشناسی ارشد، دانشگاه حکیم سبزواری.
- حدادی، محمود، (۱۳۷۵ هـ.ش). «مبانی ترجمه»، چاپ سوم، تهران: انتشارات جمال الحق.
- حسینی، صالح، (۱۳۷۵ هـ.ش). *نظری به ترجمه*، تهران: انتشارات نیلوفر.
- خادمی سکه، زهرا، (۱۳۸۸ هـ.ش). «بررسی فکاهه و انواع آن و ترجمه‌ی نمایشنامه‌ی *الست هدی*»، کارشناسی ارشد، دانشگاه حکیم سبزواری.
- دهاقین، وحید، (۱۳۸۹ هـ.ش). «آسیب‌شناسی روش‌های ترجمه‌ی ادبی»، کارشناسی ارشد، دانشگاه حکیم سبزواری.
- رجاء عبدالله صانع، (۱۳۸۸ هـ.ش)، *دختران ریاض*، ترجمه‌ی زرین‌دخت بروجردیان، تهران، علم.
- شمس‌آبادی، حسین، (۱۳۸۰ هـ.ش)، *تئوری ترجمه و ترجمه‌ی کاربردی از عربی به فارسی*، تهران، نشر چاپار.
- شمس‌آبادی، حسین، (۱۳۸۱ هـ.ش). «*الترجمه بین النظریه و التطبيق من العربیه الی الفارسیه*»، تهران: انتشارات چاپار.
- صفارزاده، طاهره، (۱۳۸۴ هـ.ش). «*اصول و مبانی ترجمه، تجزیه و تحلیلی از فن ترجمه ضمن نقد علمی آثار مترجمان*»، چاپ هشتم، تهران: نشر پارس کتاب.
- صفوی، کورش، (۱۳۷۱ هـ.ش). «*هفت گفتار*»، چاپ اول، تهران: کتاب ماد (وابسته به نشر مرکز).
- طبری، محمد، (۱۳۵۶ هـ.ش)، «*ترجمه‌ی تفسیر طبری*»، جمعی از علماء ماورالنهر، مصحح حبیب یغمایی، چاپ دوم، تهران: انتشارات توس.

- عبدالغنی حسن، محمد، (۱۳۷۶ ه.ش). «فن ترجمه در ادبیات عربی»، ترجمه عباس عرب، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
- عرفانی، قانعی فرد، (۱۳۷۹ ه.ش). «رسالت مترجم»، دیدگاه‌های حرفه‌ای محمد قاضی درباره‌ی اصول و روش ترجمه، تهران: انتشارات نقش و نگار.
- فتحی دهکردی، صادق، (۱۳۸۱ ه.ش). «زاهکارهای راهبردی در فرایند ترجمه‌ی واژه‌های عربی به فارسی»، مجله‌ی علمی پژوهشی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران: دوره‌ی دوم، شماره‌ی ۴ و ۳، پاییز و زمستان، ۵۲-۶۶.
- قاضی، محمد، (۱۳۷۲ ه.ش). «ویژگی‌های ترجمه‌ی خوب» فصلنامه‌ی مترجم، سال سوم، شماره‌ی ۹ بهار، ۳۱-۳۳.
- کامبیززاده، محمود، (۱۳۸۸ ه.ش). «مقالاتی چند در مورد ترجمه‌ی شفاهی و دوزبانگی»، تهران: رهنما.
- کیوانی، مجدالدین، (۱۳۷۹ ه.ش). «بازآفرینی سبک متن مبدأ در متن مقصد»، فصلنامه‌ی مترجم، سال نهم، شماره‌ی ۳۳، پاییز و زمستان، ص ۹-۱۸.
- لطفی پورساعدی، کاظم، (۱۳۸۵ ه.ش). «اصول و روش ترجمه (رشته‌ی مترجمی زبان انگلیسی)»، چاپ دوم، تهران: دانشگاه پیام نور.
- معروف، یحیی، (۱۳۸۱ ه.ش). «فن ترجمه‌ی اصول نظری و عملی ترجمه از عربی به فارسی و فارسی به عربی»، چاپ ششم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
- ناظمیان، رضا، (۱۳۸۶ ه.ش). «روش‌هایی در ترجمه از عربی به فارسی»، چاپ دوم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
- نجفی، ابوالحسن، (۱۳۶۱ ه.ش). «آیا زبان فارسی در خطر است»، نشر دانش، سال سوم، شماره‌ی دوم، بهمن و اسفند، ۴-۱۵.
- وزین پور، نادر. (۱۳۸۱ ه.ش). «بر سمنند سخن»، چاپ یازدهم، تهران: انتشارات فروغی.
- هژبرنژاد، حسین، (۱۳۷۲ ه.ش). «آیین ترجمه»، تهران: انتشارات دونور.

- هلبک، بوریس، (۱۳۷۰ هـ.ش). «*عوامل و مراحل ترجمه*»، سیدمحمدرضا هاشمی، فصلنامه‌ی مترجم، سال اول، شماره‌ی سوم، ص ۲۹-۳۴.
- یوسفی، غلامحسین، (۱۳۷۱ هـ.ش). «*فایده‌ی انس با زبان فارسی در ترجمه*»، فصلنامه‌ی مترجم، سال دوم، شماره ۴، زمستان، ص ۶۴-۷۱.

منابع اینترنتی

- بدیعی، منوچهر، (۲۰۱۰م). «*کوتاه درباره‌ی ترجمه*».
www.motarjemolin.com
- تقی بیگی، یاسمین، (۲۰۱۰م). «*کوتاه درباره‌ی ترجمه*».
www.motarjemolin.com
- کوثری، عبدالله، (۲۰۱۰م). «*سخنی درباره‌ی ترجمه‌ی متون قدیمی*».
www.motarjemolin.com
- محدثی، جواد، (۲۰۰۹م). «*روش ترجمه*».
www.tebyan.ardebil.ir